

تعلیم و تربیت ، تحقیق و تتبع ، ومدنیت جهانی

دکتر پیتر خان

13 اوت 2006

فکر روشن

قابلیت کاربرد عمومی احکام و اصول بهائی

مقدمه مایلم توجه شما را به یکی از ویژگی های بارز و متمایز امر بهائی جلب کنم به عنوان عنصری تفکیک ناپذیر از ساختار تعلیم مبارک، مفهوم تفوق حکومت قانون را داریم . مقصود این است که احکام و تعلیم امر مبارک برای کلیه اعضا جامعه بهائی، صرف نظر از هر ملاحظه دیگری، قابلیت کاربرد دارد. این موضوع نسبتاً استثنائی است؛ غالباً در جوامع مذهبی بعضی از افراد، درست یا نادرست احساس می کنند به علت مقام و منصب، موقعیت اجتماعی، یا بعضی از ملاحظات دیگر، از بعضی از وجوه تعلیم معاف هستند؛ در حالی که در دیانت ما تعدادی اصول عمومی وجود دارد که بدون استثناء در مورد همه کاربرد دارد. مایلم قبل از پرداختن به اصل مطلب چند دقیقه ای را به بررسی معدودی از این اصول عمومی اختصاص دهم که فکر می کنم می توان آن را در ذیل عنوان واحد " ذهن روشن " گرد آورد.

همه ما با این واقعیت آشنا هستیم که به طور معمول، ادیان در طول تاریخ بشر، توجه خود را به تنویر افکار معطوف داشته اند. این موضوع حتی تا حد تقلید رسیده است. چند روزی را من و ژانت در کالیفرنیا شمالی به تنبلی گذراندیم که مدتی از آن صرف تماشای تلویزیون شد . اگر شما همانقدر بیکار باشید ممکن است با آگهی های تلویزیونی برای دفتر راهنمای تلفن مشاغل آشنا باشید آدم بیچاره مفلوکی را نشان می دهد که از کوهی بالا می رود تا فردی را بیابد که نوعی گورو (پیر ، مرشد) و منشأ تنویر فکر است. مسافرما از او طلب هدایت می کند که چگونه می توان به کلیه اطلاعات دست پیدا کرد و آن شخص منورالفکر او را به دفتر راهنمای تلفن مشاغل حواله می دهد. با این وجود، وصول به فکر روشن همیشه هدف دین بوده است.

رویکرد متمایز

دیانت ما ، از لحاظ تنویر فکر از دو جهت متمایز است . یکی این واقعیت که از نظر ما حالت کمال مطلوب عبارت از پویایی است نه ایستایی؛ تحرک است نه سکون، اساساً با حالت مطلوبی که در ادیان گوناگون مطرح می شود ، یعنی بهشتی که در حالت سکون قرار دارد و حسن وصول به روشنگری که اساساً ساکن و لا یتغیر است ، تفاوت داریم . وجه تمایز دیگر در توجه به روشنگری این است که ما تحقق مقصود و روشنگری را منحصرأ در اقدامات انفرادی نمی دانیم بلکه در اثر تعامل با سایرین در خدمت و مشورت با شکل دیگری از معاضدت می دانیم؛ در نظر ما روشنگری شامل تعامل با سایر افراد بشر است که سمت و سویی به خدمت و معاضدت دارد .

مایلم چند دقیقه به خصلت هایی پردازم که در رابطه با روشنگری در امر بهائی مشاهده می کنم، انگیزه پنهان نسبتاً آشکاری در اینجا وجود دارد. من عمداً خصوصیات را انتخاب می کنم که بعداً در صحبت هایم از آن سود خواهم جست. عمداً به مواردی می پردازم که قابلیت کاربرد عمومی دارند و بعداً وقتی که در مورد بهائی تحصیل کرده یا محقق بهائی صحبت می کنم، مجدداً به آنها باز خواهم گشت و در کمال ادب خواهم گفت، ملاحظه می کنید؟ موارد مزبور مربوط به روشنگری هنوز کاربرد دارد حتی اگر شما به تعلیم و تربیت یا تحقیق مشغول باشید. امیدوارم بیش از حد بدیهی نباشد، اما چیزی در همین حدود خواهد بود، این کار را بدان علت انجام می دهم که غالباً در گذشته کسانی که در زمینه تعلیم و تربیت یا تحقیق به شهرت یا مقامی دست می یافتند، خود را از بعضی از ویژگیهای روشنگری که تعالیم بهائی به آن اشارت دارد، معاف می دانستند.

نگرش با سعه صدر

آنطور که من در تعالیم مشاهده می کنم، یکی از ویژگیهای فرد روشنگر این است که نسبت به یادگیری تمام عمر دارای نگرشی خالی از تعصب باشد؛ و این را فرض و واجب بر اهل بهاء می دانم، چه تحصیل کرده چه بی سواد، در تماس با بهائیان بی سواد تجربیاتی داشته و متوجه شده ام که در بسیاری از موارد نگرش آنها نسبت به یادگیری بسیار پیشرفته بوده؛ یعنی یادگیری از تجربه، یادگیری از مشاهده طبیعت، یادگیری از تعامل با دیگران و این تجربیات نظر مرا تأیید کرده که تعالیم مبارکه به همه ما می گوید که جدا از هر ملاحظه ای، ما باید خود را به یادگیری تمام عمر متعهد سازیم. بدیهی است این شامل آموزش رسمی هم می شود. اما تنها به آن محدود نمی شود. بیت العدل اعظم در یکی از پیامهای اخیر فرمودند:

"تعلق به یادگیری، از بدایت امر، خصیصه تفکیک ناپذیر حیات و اعتقاد بهائی است" همانطور که متوجه خواهید شد در نقشه پنج ساله که تازه پایان یافته و نقشه بعدی که اکنون شروع می کنیم یادگیری - یادگیری از طریق تجربه با تأمل و بررسی با مرور مجدد نقشه ها در دور بعد، یا هر نوع دیگر، با کلیه مفاهیم فعالیت جامعه بهائی پیوند خورده است. البته این یادگیری مستلزم نگرشی خالی از تعصب به صورت جزء فطری و تفکیک ناپذیر آن است، اما نگرش با سعه صدر را به طور افراطی نباید معمول داشت؛ داشتن سعه صدر یک موضوع است و هالو بودن و ساده لوحی و اعتقاد داشتن به کلیه امور غریبی که خرافات، یا به کلی غیر منطقی و امثال آن از آب در می آیند مطلبی دیگر. بنابر این در توجه به سعه صدر و بی تعصبی دو حد افراط و تفریط وجود دارد و آثار مبارکه به ما توصیه می کنند که از تفریط در ساده لوحی و زود باوری احتراز کنیم شکی نیست که این موضوع بغرنجی است زیرا بسیاری از اکتشافات علمی در شکل اولیه خود عجیب و غریب به نظر می رسیدند. یادم می آید که مطلبی را در مورد آلفرد و گنر می خواندم او اولین کسی بود که جابجائی قارات را کشف کرد. چقدر برایش مشکل بود که جامعه علمی را قانع کند که نظریه اش را، که امروزه در تمام جهان از آن حمایت می شود بپذیرند.

گفته می شود که صفات فرد روشنگر شامل تلاش مداوم برای پیشرفت و رسیدن به اعتلاء و کمال نیز می شود و این هم کلیه بهائیان را ، اعم از باسواد و بی سواد ، در بر می گیرد . این حس کمال یابی و آرمان خواهی ، حس تمایل به پیشرفت و ارتقای خود ، میل به بهبود عملکرد خویشتن در هر فعالیتی که به آن اشتغال داریم ، باید با حس تواضع در ارتباط با دیگران همراه و توأم گردد . اینها ، در جامعه عمومی ، غالباً هر یک منحصر به خود هستند ؛ کسانی که می خواهند از تفوق برخوردار گردند به نظر می رسد لازم می دانند در راهی که برای تقویت و تحکیم برتری و تفوق مورد نظرشان در پیش گرفته اند فروتنی را بالمره کنار بگذارند ، و البته این در دیانت ما محلی از اعراب ندارد . این مطلب نیز به ما گوشزد می شود که تمایل به روشنگری باید شامل احترام به دستاوردهای دیگران و تشویق مداوم آرمانهای آنها نیز بشود.

مشارکت در حیات جامعه

به نظر من این موضوع نیز باید ذکر شود که بهائی روشنگر ، در دیانت ما شخصی است که اهداف عالی و آرمانهای متعالیش او را از مشارکت در حیات و فعالیتهای جامعه ، از جمله حیات دنیوی و مادی آن معاف نمی کند در نظر ما ابداً موضوع اینطور نیست که یک نفر آنقدر انتزاعی با رموز نظریه نسبیست عمومی اشتغال دارد که نمی تواند در چیدن میز ، شستن ظروف ، یا کمک به وجین کردن باغچه و امسال آن سهمی داشته باشد .

حضرت عبدالبهاء طبق معمول ، نه تنها به علت عمیق حکمت و فرزاندگی و خصلتهای شخصی خود ، بلکه از این لحاظ نیز که در وجوه دنیوی و مادی زندگی نیز مشارکت داشتند مثال و سرمشق درخشانی برای ما هستند . ما نمونه های بسیاری از اقدامات حضرت عبدالبهاء در عکا و حيفا و نحوه مشارکت ایشان با روحیه ای مثبت در وجوه مادی زندگی جامعه و خدمت به دیگران در اختیار داریم . و البته همانطور که کاملاً متوجه هستید فرد روشنگر کسی است که میزان مناسبی از احترام به مرجعیت تشکیلات بهائی را حفظ می کند ، و در واقع ترویج می دهد .

در جامعه عمومی غالباً افرادی وجود دارند که احساس می کنند بنا به دلایلی ملزم نیستند هر چه را که دیگران تبعیت می کنند ، انجام دهند ؛ آنها آنقدر مهمند ، آنقدر شخصیت با اهمیتی هستند ، آنقدر خصلت ها و ویژگیهای چنین وچنان دارند که نه می توانند با تشکیلات کاری داشته باشند و نه این که آن را نادیده بگیرند . همانطور که متوجه هستید ، جامعه بهائی ما ، امری در جریان و در حال پیشروی است ، به معنای دقیق کلمه . هر از گاهی زمین می خوریم . ما وانمود نمی کنیم که مرتکب اشتباه نمی شویم و ابدأ خطائی از ما سر نمی زند ، بلکه قطعاً می گوئیم که از اشتباهات درس می گیریم ، سعی می کنیم همان اشتباهات را مکرراً مرتکب نشویم ، و این روی هم رفته پیشروی است . در این زمینه ، شخص در می یابد که هر از گاهی برخی از نقائص و نقاط ضعف ما شامل بخشی از جامعه بهائی می شود که احساس می کنیم باید از مقتضیات و شرایط بعضی از جنبه های روشنگری ، مانند فروتنی و پرداختن به وجوه مادی زندگی معاف باشد . آنها به دلایل گوناگون و غریب احساس مصونیت می کنند . شاید به علت ثروت باشد ، گاهی اوقات بهائی ثروتمند

معتقداست که مانعی ندارد که شخص دیگری به انجام دادن کارهای مادی وا داشته شود، اما من نه. در واقع، اگر واقعاً می خواهید من پول بدهم، من پول می دهم دیگری کار را انجام دهد یا بهائینی که دارای مقام و مرتبت اجتماعی هستند ممکن است تصور کنند دینشان آنها، یا خلاف حیثیت آنها در جامعه عمومی است که با آن موقعیت عالی به وجوه دنیوی و مادی حیات جامعه پردازند. گاهی اوقات ممکن است به تبار خانوادگی مربوط شود. کسی که دارای اجداد یا منسوبین مشخص باشد به نظر می رسد که نوعی طرز تفکر در او ایجاد می شود که او ملزم نیست به کاری مبادرت کند که بقیه انجام می دهند. گاهی اوقات این طرز تفکر به تحصیلات مربوط می شود؛ یعنی افراد تحصیل کرده مجبور نیستند خود را به کلیه امور جزئی که دیگران با آن سروکار دارند، مشغول سازند. با تفکر و تعمق به مثال و سرمشق بی نظیری که از حضرت عبدالبهاء در اختیار داریم تمام این مفاهیم نادرست زائل می شود.

اینها خصائل فرد روشنگر است، و همانطور که گفتم هدفی سنجیده دارم که به آنها اشاره می کنم زیرا فکر می کنم به آنچه که می خواهم در ادامه کلام درباره تعلیم و تربیت و تحقیق بگویم مربوط می شود.

تعلیم و تربیت

تعلیم و تربیت در زمان حال

تعلیم و تربیت در بسیاری از نقاط جهان به دلایل مختلف مورد تأکید شدید است. این موضوع مورد علاقه قانون گذاران و کسانی که منابع ملی کشور را به آن اختصاص می دهند، نیست. عدم اختصاص بودجه به این معنی است که وقتی در اطراف و اکناف دنیا سفر می کنید، مدارس و دانشگاههایی را می بینید که بافت آنها رو به ویرانی و وخامت است وضعیت آنها چندان مطلوب نیست. ساختمانها، حقوق معلمان در مقاطع ابتدایی، متوسطه و دانشگاه در وضعیت مطلوبی قرار ندارند و همگام با تورم پیش نمی روند در بسیاری از کشورها شهریه ها به ارقام نجومی افزایش می یابد و دانشجویان با استعداد و لایق را از تحصیلات محروم می سازد. فشار مداومی برای افزایش نمره وجود دارد؛ فشاری که نمرات خوب داده شود و درصد بیشتری از محصلین نمرات خیلی عالی بگیرند. همچنین فشاری برای ایجاد دوره هایی با معیارهای نامطلوب و نازل تا به همان ترتیب بتوان نمرات بالاتری به محصلین داد. نظام در بسیاری از کشورها علائمی از فساد و انحطاط را نشان می دهد؛ افزایش تقلب، رشوه به مدرسین، حقوقهای اندک مدرسین، روی کاغذ آوردن تکالیف از اینترنت، زورگویی و خشونت در مدارس که خشونت نسبت به سایر محصلین و نسبت به معلمان را شامل می شود.

یکی از مهمترین و بارزترین تأکیدات در نظام آموزشی بر این است که هدف از تحصیلات عمده بر حسب در آمد بالقوه آن است. در اتخاذ تصمیم در این مورد که آیا به تحصیلات عالی ادامه داده شود یا خیر، چه رشته ای انتخاب شود، یا ادامه داده شود یا نه، در اجتماع ما عمده استدلال بر این است که اگر این کار را انجام دهی، در آمد بیشتری خواهی داشت و به طور متوسط در طول چند دهه از بقیه مردم جلو خواهی افتاد. البته این استدلال ضعیفی است. دیگر تأثیر ندارد. عموماً اشخاصی که وارد رشته های کاری می شوند که نیاز به تحصیلات ندارد بیش از نفوس بینوایی که سالها درس می خوانند تا مدارک کارشناسی ارشد و دکترا بگیرند، پول در می آورند.

بنابراین در ذهن بسیاری از نفوس در اجتماع ما سوالاتی مطرح می شود: هدف از تحصیل چیست؟ چرا باید خود را با نظامی درگیر کنم که روز به روز فاسد تر می شود و باز پرداخت مالی خوبی ندارد.

دین و تعلیم و تربیت

در ذهن کسانی که پیشینه مذهبی دارند، مثل خود ما، سوالات دیگری درمورد تعلیم و تربیت مطرح می شود این موارد در خصوص کل جامعه بهائی مصداق ندارد. اما هراز گاهی با بهائیان مواجه می شویم که یک یا چند مورد از این سوالات را مطرح می کنند. کسانی هستند که عمیقاً نگرانند اگر جوانانشان در محیط غیر مذهبی به تحصیل پردازند، ممکن است ایمانشان ضعیف شود. مثلاً، آنها باید در رشته روانشناسی تحصیل کنند چون مبتنی بر مفهوم مادی طبیعت بشری است و آنها را از دین دور می کند. از این نقطه نظر، آنها نباید فلسفه، اقتصاد، جامعه شناسی، تاریخ یا هر رشته دیگری را تحصیل کنند، زیرا ایمان دینی آنها را تضعیف خواهد کرد. نفوسی هم هستند (انشاء الله تعدادشان زیاد نباشد) که فکر می کنند دین حاوی تمام معلوماتی است که فرد نیاز دارد؛ همانطور که در کتاب ایقان نقل شده. ایمان یک نقطه است و جاهلان آن را تکثیر کرده اند، و شخص با ادامه تحصیل در محیط غیر دینی خود را در معرض ازدیاد این غفلت و جهالت قرار می دهد. بعضی از نفوس دارای دیدگاهی مکاشفه گونه نسبت به بلایای قریب الوقوع هستند که این سوال را مطرح می سازد، "وقتی کل این توده پوسیده و فاسد به هر حال با انفجاری نابود می شود. چرا خودمان را زحمت بدهیم و درس بخوانیم؟ این دیدگاه فشاری را بر جوانان وارد می کند که تعهد دراز مدتی از نوع تحصیل را بر خود تحمیل نکنند.

همچنین، در چند سال گذشته، با تأکید موجه و معقول برای توسعه و پیشرفت فعالیت های اساسی در نقشه پنج ساله، افراطیونی هستند که می گویند در این زمان آنقدر مواضع مبرم و اضطراری وجود دارد که باید اقدامات دراز مدت - مانند تحصیل و غیره - را رها کنیم زیرا باید به این 1500 برنامه فشرده رشد برسیم. دیدگاه آنها این است که هیچ چیز مهمتر از آن نیست؛ باید هر کاری را که داریم انجام می دهیم کنار بگذاریم و فقط به این برسیم شاید بعدها (اگر فرصتی بود) بتوانید به تحصیلتان هم برسید.

بنابر این غیر از مواردی که در اشاره به وخیم شدن نظام تحصیلی و تسهیلات آن در جامعه عمومی، توجه شما را به آن جلب کردم، تأکیدات گوناگون دیگری هم هست که در محیط های بهائی مطرح می شود. باید به کل این قضیه از چشم انداز تعالیم موثق بهائی نگاه کنیم نه از دریچه چشم مردمی که مثلاً به ما می گویند "این کاری است که شما باید انجام دهید"، و این آن چیزی است که منتشر نشده یا این درک و برداشت من از بیان بیت العدل اعظم است که صریحاً گفته نشده - یا این نوع اظهار نظرها. ما باید از اینها دوری کنیم ایمان ما باید در تعالیم موثق بهائی ریشه داشته باشد که به راحتی قابل بررسی است و صحت آنها به وضوح قابل درک است.

می دانیم که نگرانی هایی که بعضی بهائی ها ابراز می کنند، تا حدی درست است این نکته که ایمان شخص در اثر تحصیلات غیر دینی ممکن است ضعیف شود تا حدی صحیح است، اما این عبارت از بنیاد غلط است همانطور که

در حال حاضر مشاهده می کنیم، عکس مطلب صادق است، آثار حضرت ولی امرالله به تقویت دو جانبه بین بینشهای موجود در تعالیم بهائی و تحصیلات غیر دینی اشاره دارند. این تا حدی صحیح است که شرایط فعلی منقلب است و روز به روز خراب تر می شود، اما مفهوم انتقال در جامعه عمومی عبارت از دو فرایند انحطاط و اعتلاء است که با وقایعی که دارای ماهیت مصیبت بار هستند مشخص می شود نه، آنطور که اغلب گفته می شود، با فاجعه آخر الزمانی به انتهی برسد. و اما در مورد فشار زمان حال (نیازهای نقشه پنج ساله و امثال آن) اینها نگرانی های معقول و موجهند. پیامهای معهد اعلی، از جمله پیام رضوان و پیام 27 دسامبر 2005 قطعاً به نحوی مناسبت توجه را به نیازمبرم برای اقدام هماهنگ از سوی بهائیان در سراسر دنیا برای پیگیری فعالیت های اساسی، توسعه مجموعه های جغرافیائی که می توانند برنامه های فشرده رشدرا حفظ کرده ادامه دهند، جلب می کنند.

اما این پیامها بین اولویت و منحصر به فرد بودن تفاوت قائل می شوند و قصور در تشخیص بین اولویت و منحصر به فرد بودن به انحرافات منجر می گردد. می دانیم که اولویت ها کجا هستند؛ نقشه پنج ساله و پیام بیت العدل اعظم. بیت العدل اعظم دنبال منحصر به فرد بودن نیستند. یاران در اینجا، در این کنفرانس به طور خصوصی با من صحبت کردند و در کمال صداقت و صمیمیت پرسیدند، آیا ادامه دادن بیوت تبلیغی کار درستی است؟ من که هستم که بگویم خیر؟ بیت العدل اعظم کیست که مواردی که حضرت ولی امرالله با تمام قوت تأسیس فرمودند لغو کند یا فسخ نماید؛ مواردی مانند لزوم تبلیغ فردی، بیوت تبلیغی، اعلام امرالله، فعالیت های دانشجویی در دانشگاه، و کلیه موارد دیگری که حیات بهائی را پربار می کند و به آن معنی می بخشد؟

غیر از آن هر نفسی که دارای تجربیاتی در اقدامات و مسئولیت های مختلف است - اعم از اقدامات شغلی، تجاری، انواع گوناگون سازمانها، فعالیتهای صنعتی، یا امثال آنها - هر نفسی که تجربه ای در اینگونه امور داشته باشد می داند که تمرکز انحصاری بر نیازهای کوتاه مدت راهی به سوی زوال و نابودی است هر اقدامی، اعم از برنامه های نظم اداری بهائی یا غیر آن، که تنها بر اهداف کوتاه مدت متمرکز باشد، محکوم به ایجاد مشکل و درد سر آتی برای خودش است. ما باید، با افکار هوشمندانه، اولویت را به اهداف کوتاه مدت بدهیم اما از اهداف دراز مدت هم غفلت نکنیم، والا در طی چند سال مشاهده خواهیم کرد که فاقد منابع لازم برای تأمین نیازهای فوری امر مبارک در سالهای آینده خواهیم بود. در طول چند دهه همه فعالیت های امری ام، که اکنون به حدود پنج دهه می رسد، متوجه اجبائی شده ام که از لحاظ خدمت به نیازهای امر مبارک، آنچنان ذهن خود را به اهداف کوتاه مدت مشغول کرده اند که در ترقیات فردی خویش از اهداف دراز مدت غافل مانده اند. در نتیجه دریافته اند که بعد از حدود ده سال فاقد شرایط خدمت هستند آنها نتوانستند به امر خدمت کنند، دارای مهارت های لازم نبودند، اهداف توسعه دراز مدت نداشتند، و جهت درستی را انتخاب نکرده اند. تنها کاری که می توانستند انجام دهند این بود که در زمینه ای که فعالیت می کردند و برای ده سال قبل خوب بود و اکنون منسوخ شده، به کار خود ادامه دهند. بنابراین، توجه به اهداف دراز مدت علاوه بر کوتاه مدت حائز اهمیت حیاتی است.

تعلیم بهائی را که می خوانم ، به نظرم می آید تا کیدی روشن و قاطع بر تعلیم و تربیت و کسب علم و معرفت دارند بارها و بارها بیاناتی به این مضمون را می خوانم حضرت بهاء الله می فرمایند " دانائی از نعمت های بزرگ الهی است تحصیل آن بر کل لازم " فرد ممکن است بترسد از اینکه فرهنگ لغت را باز کند و معنای لغت لازم را جستجو کند چون حضرت بهاء الله می فرمایند تحصیل آن بر کل لازم حضرت عبدالبهاء می فرمایند ترویج علم و عرفان فرض و واجب بر هر یک از یاران است تصور می کنم این بیانات و بسیاری از موارد مشابه دیگر باید دقیقاً مد نظر هر فرد بهائی که مسیر زندگی خود را برنامه ریزی می کند قرار گیرد ؛ یعنی نفوسی که برنامه ریزی می کنند باید قوت بیانات حضرت بهاء الله حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله در خصوص وظیفه و وجوب کسب علم و معرفت را که برای فرد قائل شده اند دقیقاً مد نظر قرار دهند.

آثار مبارکه حاوی بیانات دیگری مرتبط با موضوع تعلیم و تربیت است ؛ مرتبط با این واقعیت که چرا تحصیل کنیم وقتی که می توانیم با حرفه ... | مکث - اگر به حرفه خاصی اشاره کنیم احتمالاً بعضی از نفوس که در این اتاق هستند به آن اشتغال دارند لذا اشاره ای به آن نمی کنیم وقتی که می توانیم به عنوان آدم کش حرفه ای مافیا پول در بیاوریم - فکر نمی کنیم کسی با این شغل در این اتاق باشد. یکی از بیانات حضرت بهاء الله که بینش می بخشد درالواح نازله بعد از کتاب اقدس مسطو راست ایشان میفرمایند :

" کثر حقیقی از برای انسان علم اوست و اوست علت عزت و نعمت و فرح و نشاط و بهجت و انبساط "

این بیان بسیار مهم است حضرت بهاء الله می فرمایند کسب علم منشاء سرور و نشاط و انبساط است اساساً یکی از دلایل اساسی برای ادامه تحصیل این است که منشاء مسرت خاطر است البته نه موقعی که زمان امتحان فرا می رسد و شاید هم نه زمانی که نتایج امتحانات اعلام می گردد اما روی هم رفته در مسیر حیات ، حیاتی که وقف کسب علم شده ، وقف تحصیل شده چه به معنای اعم و چه به مفهوم اخص آن همراه با رضایت خاطر تحقق خواسته ها و همانطور که جمال مبارک می فرمایند : سبب نشاط و انبساط خواهد بود .

بیان حضرت ولی امرالله در مورد ارتباط تأثیر تبلیغ امرالله به علم و معرفت خالی از هر گونه ابهام است ایشان در یکی از توابع می فرمایند : (یا منشی از طرف ایشان مرقوم می دارد) " اگر احباً بخواهند واقعاً در تبلیغ امرالله توفیق یابند باید بسیار مطلع بوده قادر به بحث و مشورت عالمانه و عاقلانه در مورد وضع کنونی عالم و مشاغل آن باشند "

این فقط منتخبی از آثار بسیاری است که در این زمینه بیان فرموده اند اکثر آنچه که می خوانم یا از مجموعه مربوط به تحقیق و تتبع و یا از مجموعه مکمل آن در مورد مواضع مربوط به مطالعه امرالله است که هر دو در سالهای اخیر انتشار یافته است از این لحاظ جواب ما به این نگرانی که آیا باید از تحصیلات برخوردار باشیم یا خیر؟ این است که مراجعه به آثار نمائید به آثار مبارکه در مورد اهمیت تحصیل ارزش آن در تبلیغ امرالله بازده شخصی آن از لحاظ مسرت، سرور ، رضایت، نشاط ، و انبساط که حضرت بهاء الله اشاره می فرمایند توجه نمایید .

بیت العدل اعظم هر از گاهی نامه های از احبای بسیار مخلص و صادق دریافت می کنند حاکی از آنکه لطفاً بفرمایید رشته هایی که امر مبارک نیاز خاصی به آن دارد و من می توانم در یکی از آنها به تحصیل پردازم کدامند؟ این نامه ها در ما اثر می گذارند تکان دهنده هستند اینها مبین خلوص نفسی است که مایل است خود را در اختیار مرکز امر قرار دهد و می گوید هر کاری را که شما دوست دارید انجام می دهم اگر بگوئید برو فیزیک نجومی بخوان فیزیک نجومی خواهم خواند اگر بگوئید باستان شناسی بخوان باستان شناسی خواهم خواند مایلم همان کاری را انجام دهم که در حال حاضر رافع نیازهای امر است معمول ترین جواب بیت العدل اعظم، هیچ جواب عمومی وجود ندارد، زیرا امور متغیر است اما معمول ترین جواب بیت العدل اعظم همان است که حضرت ولی امرالله به سوالات مشابه عنایت می فرمودند در اینجا گزیده ای از بیانات حضرت ولی امرالله، هر چند که از طرف منشی ایشان است ذکر می شود " راجع به رشته تحصیلی شما... امر مبارک طوری است که در هر شغلی می توانید به آن خدمت نمایید تنها شرط این است که روحانیت را اصل قرار دهیم و صرفاً به ملاحظات مادی نپردازیم " و البته اگر جهت گیری شخص بسوی خدمت امرالله نظریه غالب او باشد در این صورت از ملاحظات مادی در می گذرد و فراتر می رود به نظر من در این صورت شخص نباید در مورد انتخاب موضوع و رشته جهت ادامه تحصیل احساس محدودیت شدید کند.

بدیهی است شخص باید موضوع اشتغال به کار را در نظر بگیرد زیرا خیلی مایوس کننده است که کسی سالها تحصیل کند و بعد متوجه شود که هیچگونه امکانات استخدامی برای او وجود ندارد. بعد شخص مجبور می شود زمینه کاری خود را تغییر دهد و در آن حال درست یا نادرست احساس می کند بخش اعظم تلاشهایش به هدر رفته است (عموماً اینطور نیست اما موجب نومیدی و سرخوردگی است) لهدا باید به نحوی معقول به چشم اندازهای استخدامی و اشتغال به کار اهمیت لازم را داد البته باید استعدادها و فرصت ها را نیز در نظر گرفت در سایر نقاط دنیا به خصوص در جهان سوم تعداد زیادی از احبای عزیز هستند که مشتاق تحصیلند تلاش می کنند فرصت هایی را بدست بیاورند و غالباً مایوس می شوند در حالی که این نفوس بی نوا تلاش می کنند منابع و فرصت هایی برای اشتغال به هر نوع تحصیل بیابند، فایده ای ندارد که نزد آنها برویم و موعظه کنیم که تو باید بروی دانشگاه تحصیل کنی کسانی از ما که دارای فرصت هستیم به نحوی از نعمت و سعادت بر خورداریم و باید از این فرصت ها استفاده کنیم .

هر از گاهی در امور امریه نیازهایی پیش می آید من به معدودی از آنها اشاره می کنم اما باید هشدار هم بدهم که این نیازها با گذشت زمان تغییر می کند . مثلاً در حال حاضر در مرکز جهانی نیازمندی به انواع نفوسی داریم که نمی توانیم پیدا کنیم. نیاز به کسانی داریم که به جهش بزرگی در عملکرد کتابخانه بین المللی بهائی کمک کنند . به نفوسی که دارای مدرک دانشگاهی در علوم کتابخانه و تخصص در علم اطلاعات باشند نیاز داریم تا بتوانیم از علم پیشرفته اطلاعات برای ارتقاء کتابخانه بین المللی بهائی استفاده کنیم به بایگان احتیاج داریم که در تکنولوژی مدرن برای بازیابی اطلاعات بایگانی و امثال آن مهارت داشته باشد نیاز میرم به نفوسی داریم که در علم حفاظت از مدارک تخصصی داشته باشند با بسیاری از نفوسی مواجه می شویم که دارای مدرک کارشناسی در شیمی هستند و می گویند با مدرک کارشناسی ام چکار می توانم بکنم ؟ یکی از کارهایی که می توانید انجام دهید این است که در علم حفاظت از مدارک ادامه

تحصیل دهید و در سطح بین المللی یا اگر ترجیح می دهید در سطح ملی در حفظ مدارک و اسناد ارزشمند امری مدارک کاغذی، الواح، آثار معتبر و اصل مدارک تاریخی و غیر و ذلک در حفظ و نگهداری بطور اعم، یعنی حفظ اشیاء به ما کمک کنید مانند حفظ منسوجات حفظ مصنوعات مقدس و البته ابنیه اماکن مقدسه در مرکز جهانی به رشته های مهندسی نیز برای حفظ و نگهداری تأسیسات پیشرفته قوس و نیز رشته های گوناگون هنری نیاز داریم اینها نیازهای فعلی هستند اما ممکن است پنج سال دیگر مورد نیاز نباشند شما نمی خواهید همه امکانات خود را در یک زمینه بکار بگیرید و بگویید من برای این کار تعلیم می بینم زیرا ممکن است متوجه شوید که نیازها با گذشت زمان تغییر یافته است اما آنها مسلماً نیازهای بسیار معقول موجه و مبرم هستند و من تصور می کنم اینها نیازهایی هستند که چندین دهه در عالم بهایی بر قرار خواهد بود زیرا ما قطعاً این نیاز را از لحاظ توسعه کتابخانه و محفظه آثار و امثال آن در مرکز جهانی داریم و بعداً در جوامع ملی بزرگ و متعاقباً در جوامع ملی کوچکتر در سراسر عالم فعالیت های مشابهی خواهیم داشت.

مزیت آثار و نصوص موثق

در امر مبارک به ما گفته می شود که یکی از عوامل مهم در تحصیلات همیشه این است که برای مرجعیت و اقتدار مظهر ظهور الهی تفوق و برتری قائل شویم بیت العدل اعظم می فرماید: " احبا در تعقیب مطالعات خود و اغتماس در بحر تعالیم الهی باید همزمان آگاه باشند که ظهور حضرت بهاء الله معیاری حقیقی است که کلیه استنتاجات و آراء دیگر الزاماً با آن سنجیده می شود " این مسلماً بسیار بسیار مهم است زیرا طبق بیان مزبور ظهور حضرت بهاء الله معیار حقیقت است بسیاری از مطالب و مواضع است که به عنوان بخشی از تحصیلات غیر دینی پذیرفته می شود بعضی از آنها با تعالیم بهائی انطباق دارند بعضی ندارند و وقتی ما مطلبی را می یابیم که انطباق ندارد، نباید اجازه دهیم که ایمان ما متزلزل شود نباید نسبت به معلمین خود رفتار زننده در پیش بگیریم یا موضع برتر اتخاذ کرده سعی نماییم آنچه را که حضرت بهاء الله فرموده اند به آنها آموزش دهیم زیرا این عمل نه تنها زننده است بلکه نتیجه معکوس می دهد اما در عین حال نباید اجازه دهیم که ایمان ما به هیچ وجه دستخوش آشفتگی شود با توجه به آنچه گفته شد تصور می کنم باید در این باب بسیار دقت نمود در مورد بسیاری از وجوه تعالیم بهائی باید بسیار مراقب بود که از قضاوت عجولانه خود داری شود فی المثل فیزیک نجومی به احتمال قوی هنوز در جامعه فیزیک دانان نجومی بحث و مناقشه ای وجود دارد که آیا منشاء عالم وجود عبارت از آفرینشی مداوم و یک نواخت است یا انفجاری بزرگ. آثار مبارکه حاکی از آن است که خلقت نه آغازی دارد و نه پایانی با توجه به این تصور می کنم که باید محتاط باشیم و سریع و عجولانه نتیجه گیری نکنیم بگوییم بهائیان از فرضیه انفجار بزرگ حمایت نمی کنند بلکه طرفدار نظر به آفرینش مداوم و یک نواختند هر دو فرضیه هنوز در حال پیشرفت است هر دو اصلاحاتی را متحمل می شوند و فرضیه های دیگری نیز مطرح خواهد شد تصور می کنم ما در این رابطه باید بسیار محتاط باشیم .

نامه های بیشماری درباره شبیه سازی و اینکه ما در این مورد چه می گوییم به بیت العدل اعظم واصل شده است جواب بیت العدل اعظم آنطور که من درک می کنم بسیار محتاطانه بوده و اساساً حاکی از آن است که اجازه دهید ببینیم امور چگونه پیش می رود ببینیم علم از چه موضوعی پرده برمی دارد مواضع متعددی است که هنوز مجهول است بیت

العدل اعظم از ابراز نظرات جزمی در مورد شبیه سازی خودداری کرده اند زیرا موضوع بسیار غامض است همین مورد در خصوص مسئله تکامل مصداق دارد و البته ما بحثی عالی در این کنفرانس در رابطه بانظریه های گوناگون تکامل طرح هوشمندانه در مقابل تکامل داروینی و غیرذلک داشتیم این خیلی خوب است زیرا عنصر دقت و احتیاط در اینجا وجود دارد یعنی خود داری از عجله در قضاوت یا اتخاذ دیدگاهی تنگ نظرانه با بیان شتابان این نکته که خوب این اشتباه است زیرا با بیان حضرت بهاء الله تناقض دارد البته در این مورد ارزیابی نظریه های روانشناختی - جامعه شناسی یا مسلماً اقتصادی نیز صادق است ، بدیهی است ما در مورد ماهیت انسان دارای نظریه و دیدگاهی متفاوت هستیم که بر این رشته ها اثر می گذارد ولی در عین حال رشته های مزبور هم مطالب معتبر بسیاری را بیان می کنند. شما با مطالعه دو مجموعه ای که بدان اشاره کردم در می یابید که حضرت ولی امرالله در بعضی از آثار خویش رابطه متقابل بین علم غیر دینی و بینش و معرفت در تعالیم بهائی را که دارای تأثیر تقویت کننده دو جانبه هستند توصیف فرمودند در مواردی هیکل مبارک به این نکته اشاره می فرمایند که مطالعه موضوعاتی مانند جامعه شناسی، تاریخ، اقتصاد و امثال آن ،... و تصوری کنم موارد بیشتر وجود داشته باشد ، بینشی نسبت به تعالیم بهائی ایجاد می کند. آثار دیگری نیز وجود دارد که دقیقاً رابطه دو جانبه را توصیف می کند ایشان می فرمایند که مطالعه تعالیم بهائی بینشی نسبت به رشته های غیر دینی ، تاریخ، اقتصاد ، جامعه شناسی و امثال آن پدید می آورد. در این آثار نه تنها نگرانی نسبت به تحصیلات که ایمان فرد را ضعیف کند وجود ندارد بلکه می فرمایند: "اگر احبایی که باورهای عمیق و محکم دینی دارند به نحوی صحیح به تحصیل این رشته ها پردازند نه تنها ایمانشان تضعیف نمی شود بلکه تقویت می گردد. تحصیلات بینشهایی بامناف دو جانبه می دهد ، هم جوهری از تعالیم را با عمق بیشتری روشن می سازد و هم نوری جدید بر جوهری از رشته های غیر دینی مزبور می تاباند "

قبل از اتمام بحث تعلیم و تربیت ، مایلم توجه شما را به قوت اندازات حضرت ولی امرالله در مورد تحصیل علوم معطوف نمایم . این کار را فقط با زیارت دو بیان از حضرت ولی امرالله می توانم به طور موثر انجام دهم . هیکل اطهر می فرمایند:

"برای جوانان بهائی از ذکور و اناث تعلیم کامل در دانشکده ها که صاحب مقام و موقعیت عالی هستند ، همان قدر دارای اهمیت و ضرورت است که تعلیم و تربیت در مسائل روحانی لازم و متحتم می باشد . جنبه فکری و روحانی هر جوان بهائی قبل از آنکه بتواند به نحو اکمل در دائره خدمات امریه وارد گردد باید مورد بسط و تقویت قرار گیرد ."

اطلاعات فراوانی در این بیان وجود دارد که با مطالعه سریع آن در ک نمی شود . جمله اول آن تقریباً به بدعت و سنت شکنی پهلو می زند! در اینجا ولی امر است که سخن می گوید ، نه شخصی کمتر از او ،

می فرماید برای جوانان بهائی اعم از دختر و پسر تعلیم کامل در دانشگاههایی که صاحب مقام و موقعیت عالی هستند به همان اندازه دارای اهمیت و ضرورت است که تعلیم و تربیت در مسائل روحانی لازم و حتمی است . بیانی باور نکردنی است . شما نمی توانید بگویید ، " خوب این کلامی است که ایشان در آن زمان به شخص خاصی بیان کرده اند " در این بیان عمومیت دیده می شود و بسیاری از سایر بیانات حضرت ولی امرالله در دست است که این نکته را تأیید می کند . و البته جمله دوم نیز به همان اندازه حائز اهمیت بی اندازه است . می فرمایند : " جنبه فکری و روحانی هر جوان بهائی قبل از آن که بتواند به نحو اکمل در دائره خدمات امریه وارد گردد باید مورد بسط و تقویت قرار گیرد . " همه ما می توانیم به امر مبارک خدمت کنیم .

همه ما به نحوی سعی داریم خدمت کنیم ، اما انجام دادن آن به نحو اکمل موضوع دیگری است حضرت ولی امرالله در اینجا به تعادل بین ترقی فکری از یک طرف و ترقی روحانی از طرف دیگر اشاره دارند تا این کارایی و کمال بوجود آید.

تحقیق در امر بهائی

مسائل مورد توجه

موضوع بعدی که مایلیم به اختصار به آن پردازم تحقیق و تتبع است و می توان به اختصار برگزار کرد زیرا در سالهای اخیر مطالب بسیاری گفته شده و توضیح داده شده است . اما چند موضوع است که در ماههای و سالهای اخیر مطرح شده که من در ایفای وظیفه فعلی ام به عنوان عضو بیت العدل اعظم از آن آگاه شده ام ، اینها سوالاتی است که معتقدم احباء مطرح می کنند ، اول ، آیا احبای با وفا باید بر تحقیقات عقلانی و تتبعات اندیشمندانه اصرار ورزند وقتی که سبب مناقشه گردیده و شرایط و مقتضیات عهد و میثاق را مورد تردید قرار داده است . تصور می کنم که همه ما می دانیم که این مناقشه در اینترنت و بعضی از مجامع افرادی که ادعا شده بخشی از جامعه محققین بهائی هستند وجود داشته ؛ افرادی که عهد و میثاق را زیر سوال می برند و انواع و اقسام موضوعات را مطرح می کنند و به احتمال قوی حرفهای ناخوشایندی هم درباره بعضی از ماها می زنند ؛ این بحثها گاهی هم وارد پیامهای معهد اعلی شده است . لذا این سوال را مطرح می کنند ، " آیا بهتر نیست از کل قضیه چند سالی دور باشیم تا همه مناقشات آرام بگیرد و مجادله ها فروکش کند ؟ چون مایل نیستم منشأ مناقشه و اختلاف باشم . شاید وقت مناسبی برای وارد شدن در فعالیتهای تحقیقی بهائی نباشد ."

سوال دیگر این است : " وقتی اینقدر تأکید بر پیشبرد جریان دخول افواج مقبلین و فعالیت های اساسی نقشه است آیا وارد شدن در جریان تحقیق و تتبع بهائی نوعی عنان گسیختگی و فعالیت نامرتب نیست ؟ و سوال سوم اینکه " چگونه می توان ایمان بی چون و چرا نسبت به اعتبار تعالیم مبارکه را با پرس و جو و استفسار و بررسی که بخشی از تحقیق و تتبع بهائی است سازگار کرد ؟

متوجه هستیم که این سوالات توسط احبای بسیار بسیار مخلص مطرح شده است اینها سوالاتی هستند که با آثار موثق بهائی در سالهای اخیر و بخصوص با مرجعیت و اقتدار بیت العدل اعظم بدون ادنی ابهامی در کمال وضوح جواب داده شده است.

نیاز به تحقیق و تتبع

امر مبارک بدون ادنی ابهامی بر استمرار نیاز به فعالیت تحقیقی بهائی تأکید کرده است . بارها و بارها فقراتی از بیانات حضرت ولی امرالله و پیامهای بیت العدل اعظم را در اختیار داشته ایم که بدون هیچ تأمل و درنگی اظهار می دارند ما نیاز داریم تعداد بیشتری از احباء در فعالیت تحقیقی شرکت داشته باشند کنار نکشید . فرار نکنید . نرسید که مبدا

تمسک شما به عهد و میثاق را متزلزل سازد یا منشاء دردسر و مشکل و آشفتگی در جامعه بهائی بشوید. پیش بروید بخشی از جامعه محققین بهائی بشوید.

بیت العدل اعظم اخیراً در مکتوبی - یا مکتوبی که توسط دار الانشاء از طرف معهد اعلی نوشته شده می فرمایند :
"بیت العدل اعظم تحقیق و تتبع بهائی را جهت گسترش و تحکیم جامعه بهائی حین گذر از مرحله مجهولیت ، واجد اهمیت اساسی تلقی می نمایند..."

بیانیه بیت العدل اعظم فاقد هر گونه قید و شرطی است و جز تکرار بیاناتی که حضرت ولی امرالله با همان قوت و شدت عنایت فرموده اند ، نیست. لذا کسانی که نگرانی دارند نباید داشته باشند. در عین حال بدیهی است که آنها باید هوشیار و مراقب باشند . باید ایمان خود به عهد و میثاق را قوی و محکم سازند . آنها باید در امر مبارک ثابت و راسخ باشند آنها باید عمیقاً در شرایط و مقتضیات عهد و میثاق مستغرق گردند آنها باید پیمان الهی را آنچنان در سطحی عمیق و اساسی در یابند که هیچ امری نتواند آنها را متزلزل سازد و اظهارات ناخوش آیند و نامطبوعی که گاهی اوقات در اینترنت ظاهر می شود منشاء آشفتگی و ناراحتی روحانی شان نشود.

ارتباط با فعالیت های اساسی نقشه پنج ساله

و اما سوال دوم درباره عنان گسیختگی در رابطه با فعالیتهای اساسی تصور می کنم قبلاً به آن اشاره کرده ام و اکنون نیز مجدداً به آن می پردازم . مسلماً عنان گسیختگی نیست . ما به فعالیت تحقیقی بهائی همانقدر نیاز داریم که به اولویت دادن به فعالیت های اساسی نقشه محتاجیم نمی توان گفت یا این یا آن ؛ اینها با هم هستند ، توأمند این مبتنی بر تشخیص بین اولویت و منحصر به فرد بودن است همانطور که قبلاً اشاره کردم این نیز بر پایه تشخیص نیازی استوار است که بطور مداوم حیات بهائی را از لحاظ فکری و عقلانی و نیز روحانی پر بار و غنی می سازد .

ایمان و فرایند منطقی :

به سوال سوم در مورد ایمان بی چون و چرا به اعتبار تعالیم مبارکه و سازگار کردن آن با پرس و جو و استفسار و بررسی نیز در آثار مبارکه جواب داده شده است. تفوق اقتدار و مرجعیت حضرت بهاء الله همراه با استفاده از فرایند منطقی و عقلانی برای بررسی و کسب بینش عمیق تر آثار مبارکه با لایحه اخیراً به پیامهای بیت العدل اعظم تأکید کرده اند و این از پیام بسیار طولانی خطاب به انجمن معارف بهائی آمریکای شمالی اقتباس شده بنابراین نیازی نیست که خیلی به آن پردازم بیت العدل اعظم در کنار مطالب دیگر خطاب به این انجمن می فرمایند: "بیت العدل اعظم تعریفی محدود از تحقیق و تتبع بهائی با روش عمل محققین را صحیح نمی دانند."

انواع و اقسام مردم وجود دارند و باید تشویق شوند که انواع و اقسام فعالیت ها را انجام دهند بیت العدل طالب احترام و مدارای متقابلند و اینکه تحقیق و تتبع بهائی باید توسط نفوسی که علاقه و توجه اساسی آنها مواضع مربوط به الهیات

است و نیز توسط نفوسی که علاقه آنها در ارتباط دادن تفکرات معاصر به علوم و فنون است انجام شود: باز هر دو با هم است نباید یکی را بدون دیگری خواست.

مسلماً حضرت ولی امرالله به نیاز به ارتباط متقابل تعالیم مبارکه با تفکرات جاری در رشته های گوناگون اشاره کرده اند این مسلماً صحیح است در این صورت مجاز نیستیم فعالیت کسانی را که به اقدامات مهمی با ماهیت کلامی (الهیاتی) بیشتر یا حتی ماهیتی انتزاعی تر مبادرت می نمایند تزییف و تحقیر کنیم همه چیز با هم متقابلاً حامی و تقویت کننده هم نه اینکه بگوییم چرا به جای این کار آن کار را انجام می دهی؟ یا آن کار بی اهمیت است و این کار مهم است.

یادم می آید که سالها قبل در جریان موضوع ناماً نوسی بنام هندسه تصویری قرار گرفتم جناب اقدسی مشاور قاره ای در صحبت های دیروز خود به مطلبی به نام هندسه های غیر اقلیدسی اشاره کردند. این هم یکی از آن هندسه های غیر اقلیدسی بود مبتنی بر یک رشته اصول اولیه که هیچکدام مفهومی نداشت فی المثل یکی از اصول اولیه هندسه تصویری این است که خطوط موازی در نقطه ای بنام سیزیگی (SYZYGY) وازه جالبی بدون حروف صدا دار) تلاقی می کنند در کمال اگر در جریان هندسه تصویری قرار گرفتم با آن سروکله زدم تقلاً کردم و نهایتاً به این نتیجه رسیدم که باید بیش از نسبت به آن پیدا کنم. باری بعد از صدها سال توسعه هندسه تصویری از قرون وسطی تا حال، به نظر می آید که در بعضی از زمینه های فیزیک نجومی، نسبیست و ستاره شناسی رادیویی اهمیتی حیاتی دارد لذا ما باید بسیار مراقب باشیم که هر چیزی را که دارای ماهیت تحقیقی است به این عنوان که ارزش عملی ندارد محکوم نکنیم.

مدنیت جهانی

بالاخره چند کلمه ای هم درباره مدنیت جهانی صحبت کنیم ممکن است سوال کنید که این موضوع اساساً چرا هم ردیف با تعلیم و تربیت و تحقیق و تتبع مطرح می شود آثار مبارکه خاطر نشان می سازند که سلسله تحولاتی در نظم جهانی در دور بهائی وجود خواهد داشت استقرار صلح اصغر که در جهت آن مشغول فعالیت هستیم، اتحاد ملل را داریم در فرایند تکامل صلح اصغر دست داریم این به ظهور نظم بدیع جهانی و استقرار صلح اعظم منجر خواهد شد و حضرت ولی امرالله می فرمایند بعد از آن مدنیت جهانی

متولد شده رشد و نما خواهد یافت راه درازی در پیش داریم حتی جوان ترین ما در آن زمان سنگواره ای کهن خواهد بود پس چرا حالا به مدنیت جهانی علاقمندیم؟ ما بعلت بیان محسور کننده ای از حضرت ولی امرالله در تویق قد ظهر یوم المیعاد که در آن به نظم اداری امر مبارک اشاره می فرمایند به این موضوع علاقمندیم در آنجا می فرمایند: "در این تشکیلات اداری نطفه مدنیته بی مثل عالمگیر نمایان است که بطور غیرمرعی در حال رشد و بلوغ می باشد" مدنیت جهانی در بطن آتیه ایام قرار دارد اما جنین آن در نظم اداری فعلی است و بنابراین توجه و تفکر در مورد آن در این زمینه، هم معقول است و هم مهم برای پروردن این مدنیت جهانی مایلیم توصیه کنم که ماسه کار انجام دهیم: اولین نکته بسیار بدیهی است: ارتقاء نگرش های روحانی خود. این بنیاد و شالوده مدنیت است تصور می کنم بهروز ثابت دیروز بعد از ظهر در نطق عالی خود در مورد رساله مدنیته به مدنیته که حضرت عبدالههء توصیف فرموده اند اشاره کرد. محققاً نگرش روحانی ما اساس آن است رفتار شخصی ما؛ توسعه روشها، ادب، نظافت، نظم و ترتیب لباس و غیره. این یکی وجه

مدنیت جهانی است که ما باید هم اکنون در جهت حصول آن اقدام کنیم . دوم عبارت از جنبه تحقیق و تتبع است در هر زمینه ای که احتمالاً به آن می اندیشید به تحقیق و تتبع بهائی بیشتری نیاز داریم ، زیرا به عنوان بخشی از رشد جنین مدنیت جهانی آینده ما را از غنای زیادی برخوردار خواهد کرد وبالاخره ، آنچه که مناقشه برانگیزتر است، مایلم همه را از جمله خودم را ، هر کس را که در فعالیتهای محققانه دستی دارد، تشویق نمایم که از فعالیت های اساسی نقشه غفلت نکنیم . این بدان معنی نیست که شما باید ابرمرد یا ابر زن شوید و شبانه روز 25 یا 26 ساعت کار کنید . آنچه که می گویم این است که آن عده از ما که ذوق و شوقمان فعالیت تحقیقی است باید از آن اقدامات تحقیقی که مستقیماً به فعالیتهای اساسی مربوط می شود نیز آگاه باشیم .

این موضوع چگونه به فعالیت های اساسی مربوط می شود ؟ بدان علت مربوط است که مجهودات امری برای حل مسئله ای که قدرت کلیه ادیان در 6000 سال گذشته را به مبارزه طلبیده در فعالیت های اساسی بطور فطری تفکیک ناپذیر وجود دارد. مدت 6000 سال پیروان ادیان سعی کرده اند دوگانگی و تقسیم بین متدینین را از بین ببرند و ناتوان مانده اند ؛ دوگانگی بین معدودی رهبران فوق فعال و بیش از حد پرکار از یک طرف و از طرف دیگر توده پیروانی را که الزاماً حالت انفعالی داشته و ملزم بوده اند به اجرای اوامر پیردازند ، ساکت و آرام بنشینند و هر آنچه را که به آنها دیکته می شود اجرا کنند . این کاری نیست که امر بهائی در پی آن است . امر بهائی جامعه ای فعال ، متشکل از نفوسی است که در کلیه سطوح در تصمیم گیری ، در تفکر خلاق ، در بررسی تعالیم مبارکه ، بطور جدی و فعال مشارکت دارند در تاریخ دینی عالم انسانی هرگز چنین جامعه ای وجود نداشته و ما باید آن را تأسیس کنیم اگر نکنیم امور متوقف و بی ثمر خواهد ماند . نظم اداری عمل نخواهد کرد . فرایند انتخابات بهائی متعجب خواهد شد مگر آنکه ما این مسأله را حل کنیم . اگر آن را حل کنیم ، دهها سال طول خواهد کشید تا به هدف خود برسیم.

فعالیتهای اساسی نقشه پنج ساله ، با عنصر مشارکتی ، با فقدان مرشدها و گوروهای صاحب اقتدار و مرجع که مشورت در حلقه های مطالعه را تحت سلطه خود قرار دهند ، مبین عزم جزم و عظیم ازسوی امر مبارک برای زایل کردن دوگانگی کاذب بین رهبر فوق فعال و جماعت فوق منفعل است . و تصور می کنم این نکته حائز اهمیت است که بهائیان با جهت گیری تحقیقی در این مورد مشارکت داشته باشند ، حتی اگر مشارکت آنها به این دلیل باشد که افزایش وسیع نیروی انسانی در امر مبارک به عنوان چارچوبی متمرکز شود که محققین آینده و مجهودات تحقیقی آتیه از آن به ظهور و بروز برسد . در نتیجه این موضوع نه تنها به نیازهای امر مبارک مربوط می شود ، بلکه با مصالح اساسی شخصی نیز ارتباط دارد . گروهی از ما که به اقدامات محققانه امری علاقمندیم ، به خاطر مصلحت شخصی ، تمسک به امر و حمایت از فعالیتهای اساسی به پدید آمدن نسل محققین آینده منجر خواهد شد ، نسل جدیدی از اقدامات عقلانی و فکری ، خلاق و زایا ، برخوردار از تفکر سازنده و نوآوری که جامعه بهائی را زنده ، پویا، مشحون از قوا و با تفکری تازه نگه خواهد داشت تا در جهت هر چه پربار کردن امر مبارک تأثیر گذارد .